**قصاص قبل از جنایت**

**جمالزاده، سید محمد علی**

مجلهء مشهور امریکائی«لایف»(زندگی)از چندی بدینطرف کتابهای نفیسی در تحت‏ عنوان«جهان علوم»بچاپ میرساند که ترجمهء بعضی از آنها را بزبان فارسی جدا بهموطنانم‏ توصیه مینمایم‏1آخرین کتابی که در همین چند روز اخیر بدست راقم این سطور رسیده است‏2 (بزبان فرانسوی)عنوانش«تندرستی و بیماری»است و علاوه بر تصاویر و عکسهای سیاه و رنگی‏ متعدد و بسیار آموزنده دارای فصلهائی دربارهء پاره‏ای از بیماریهای معروف و وراثت و نطفه‏بندی‏ و بهداشت عمومی است که شاید کمتر خواننده‏ای پیدا شود که از مطالعهء خوشوقت نگردد و عبرت نگیرد.

فصل دوم این کتاب دربارهء«امراض طاعونی و وبائی مسریه»است که بزبانهای فرنگی‏ آنها را«اپیدمیک»میخوانند.وقتی مشغول خواندن آن فصل گردیدم و دیدم نوشته‏اند که این‏ امراض بخصوص طاعون از مشرق و از آسیا بمغربزمین و اروپا آمده است بلااختیار بفکر خطور نمود که آسیائیها قبل از فرارسیدن دورهء صناعتی شدن فرنگستان(که دورهء فقر و بیچارگی و استیصال و اتثمار و بندگی ممالک دور افتادهء بسیاری و از آنجمله کشورهائی از آسیا با آن آغاز گردید3)با انتقال دادن این امراض مهلک از شرق بغرب قصاص قبل از جنایت بعمل آورده‏اند و از ینرو شاید بتوان تصدیق نمود که در طبیعت گناهی بی‏جزا و مکافات و جنایتی بی‏قصاص‏ نمی‏ماند.

داستان تاریخی آمدن طاعون از آسیا و مشرق زمین بفرنگستان بطوری که در کتاب‏ نامبرده بتفصیل آمده از اینقرار است که در طی قرن چهاردهم میلادی(مطابق با دورهء حکومت‏ اولاد چنگیز در ایران و با آغاز دورهء ظهور تیمور لنگ)عده‏ای از بازرگانان کشورهائیکه‏ در بنادر ساحلی شمال دریاس مدیترانه(بحرابیض متوسط)ساکن بودند خود را بعزم تجارت‏ با قطار دور دست آسیا و از آن جمله بسرزمین چین رسانیدند و از راه معاملهء اجناس و امتعه‏ علی الخصوص ابریشم وپوستهائی از نوع خز و سنجاب ثروتهای هنگفت بدست آوردند.

در تواریخ مسطور است که در سال 1343 میلادی(744 هجری قمری یعنی زمان سلطنت‏ آل حلایر در ایران)گروهی از بازرگانهای بندرگانهای بندر جنوا(ژن بزبان فرانسوی)از بنادر شمالی‏ (1)- (Callection Life)Life le Mone des Sciences:ẓSante? et MaldieẒ

(2)-ترتیب فروش این کتابها هم ترتیب تازه‏ای است که میتوان آنرا امریکائی خواند. ناشر یک جلد از کتاب را در بستهء محکم و پاکیزه‏ای بخرج خود برای اشخاص میفرستد و در نامه‏ای که در پاکت مخصوصی منضم به بسته است مینویسد که حق دارید این کتاب را ده روز مطالعه نمائید و اگر نخواستید بخرید در همین بستهء مقوائی بخرج خود ما که فرستنده هستیم‏ و با پستخانه قراردادی بسته‏ایم برایمان پس بفرستید.

(3)-من حرفی ندارم که در قبال‏ این زیانهای عمده پاره‏ای محسئات غیر عمده‏هم برای این تسلط غرب بر شرق بشناسم.

ایطالیای امروز در حین مراجعت از شرق اقصی با لشکر انبوهی از راهزنان تاتار مصادف‏ گردیدند و بهر ترتیبی بود با جنگ‏وگریز خود را به شهر کافا(یاکفه با دو حرف اول مکسور که همان شهر قیودوزیای قدیمی باشد در جنوب شبه جزیرهء کریم در مدخل بحر آزوو)در قسمت‏ شمالی دریای سیاه رسانیدند و بدان شهر که داری حصار و قلعه و مستلیحات این نوع جنگ‏ از قبیل منجنیق و قلعه‏کوب و گاو آهن و«کاتاپولت»و غیره محروم بودند شهر را محاصره نموده‏ و مصمم گردیدند کهتا شهر تسلیم نگرد و بازرگانان نامبرده را تحویل ندهد از محاصره دست‏ بردار نباشند.محاصره بدرازا کشید ولی چون مردم شهر دست بدریا داشتند و تهیهء آذوقه برایشان‏ غیر مقدور نبود پافشاری کردند و حاضر به تسلیم نگردیدند و همینکه تاتارها دیدند سه سال تمام‏ مساعی آنها در امر محاصره بی‏حاصل مانده است به تدبیر تازه‏ای توسل جستند که شاید در تاریخ نوع بشر بی‏سابقه باشد و تفصیل آن بطور محمل ازینقرار است که چون در همان اوان‏ طاعون‏1درمیان آنها افتاده بود و هر روز عده‏ای از آها را رهسپار دیار عدم میساخت بجای‏ آنکه نعش و جسد مردگان خود را بخاک بسپارند آنها را با نردبان ببالای دیوارهای شهر برده و از آنجا بداخل شهر میافکندند.در نتیجهء این تمهید شیطانی شهر دچار طاعون گردید و چنان شدت پیدا نمود که تاریخ نظیر آنرا نشان نداده است و سرانجام مرگ‏ومیر در میان‏ تاتارهای مهاجم هم بجائی رسیدکه بالاجبار دست از محاصره کشیدند و در پی‏کار خود رفتند و بقول فرنگیها چون دیگر جنگاوری باقی نمانده بود جنگ پایان یافت.

بازرگانان جنووائی بمحض اینکه شهر را از محاصرهء دشمن فارغ دیدند در کشتی نشسته‏ بطرف بناز دارد انل و دریای مدیترانه رهسپار گردیدند وهرچند باز در بین راه عده‏ای از آنها در اثر مرض طاعون طعمهء ماهیان دریا گردیند آنهائی که زنده مانده بودند بتدریج در شهرهای‏ ساحلی از قبیل قسطنطنیه و و نیز و جنووا و بنادر دیگر پیاده شدند و مرض طاعون را که تا آن‏ تاریخ در اروپا ناشناس بود برسم ره آورد مسافرت برای هموطنان و همکیشان خود و سایر مردم‏ اروپا بهمراه وارد ساختند و بدینقرار طاعون که آنرا«مرگ سیاه»خوانده‏اند قدم بخاک اروپا نهاد و همچنانکه از آسیا به کریمه آمده بود از آنجا نیز باروپا راه پیدا نمومد و بقول مؤلف‏ کتابی که این مقاله از آن منقول است«در بنادر ساحلی مدیترانه از کشتی پیاده شد و رفته‏ رفته بطرف شمال قارهء اروپا رهسپار گردید واز خاک یونان و ایطالیا واسپانیا راه فرانسه و انگلستان را در پیش گرفت و سرانجام تقریبا بتمام نقاط فرنگستان رسید و در همه جا رخنه‏ نمود و بومی گردید و کشتارهائی کرد که سابقه نداشت،هیچ قصبه وقریه و دهکده‏ای از شر آن‏ در امان نماند و چنان هر روز بر شدت وقهاری خود افزود که در سنهء 1348 میلادی لا اقل دو ثلث ساکنان ارپا را طعمهء هلاک ساخته بود،و مرض طاعون هشت سال تمام بر اروپا حکمفرمای‏ مطلق بود و دست کم نیمی‏از بیماران را بدیار ددم میفرستاد و بموجب آمار و ارقامی که دردست‏ است بیشتر از 25 ملیون نقوس را بهلاکت رسانید».(جمعیت اروپا در آن زمان یعنی در ششصد سال‏ (1)-طاعونی است که دغده‏های گلو و حلوقوم پیدا میشود آنرا بزبان فرانسوی بهمین‏ جهت طاعون»بوبونیک»مینامند.

بیش این شاید از 35 الی چهل میلون تجاوز نمیکرد و شاید هم کمتر ازین میزان بوده است). در باب این طاعون نوشته‏ای باقی مانده است بقلم کشیشی از اهالی ایرلند موسوم به جان‏ کلاین‏1و در آنجا میخوانیم که:طاعون شهرها و دهات وقصرها و کلبه‏ها را خالی از سکنه‏ ساخت بطوری که حتی دیگر تقریبا جانداری در آنجاها باقی نماند.هر کس دستش بمریضی‏ میخورد و یا نعشی را لمس میکرد فورا گرفتار مرض میگردید و مرضش منجر بمرگ میشد. رئیس و مرئوس و توبه‏کننده و توبه دهنده باهم در گور سرازیر میشدند.بسیاری از مریضها در نتیجهء سوزه‏هائی که در بدنشان پیدا میشد و سرباز میکرد میمردند،و بعضی دیگر دچار درد سر شدیدی میشدند که جانشان را بلبشان میرسانید،و عده‏ای نیز خون قی‏میکردند و هر سه‏ گروه عاقبت طعمهء مرگ میگردیدند.من نیز هنگامی این‏سطور را بروی کاغذ آوردم که‏ خودم نیز در انتظار مرگ نشسته‏ام».

در زیر نوشتهء این کشیش بخط دیگری نوشته شده است که«احال صاحب این خط هم‏ درگذشته است».در پهلوی این گفتار در کتاب نامبرده عکسی رنگی از یک پردهء نقاشی بزرگی‏ دیده میشود کار نقاشی از اهالی ایطالیا موسوم به میکواسپادار2است و منظرهء بسیار دهشتناکی‏ از طاعونن را در شهر ناپل درسال 1656 میلادی نشان میدهد،نقاش خود از اهالی شهر ناپل‏ شاهد وناظر آن نوع متاظر بوده است و پرده‏ای که یکی از آن منظره‏ها را در جلو چشم‏ میگذارد،میدان جنگی را بخاطر میآورد که هر زنده‏ای با نعشی در تلاش است و بقدری وحشت‏ انگیز است که بیشتر بکابوس شباهت دارد تا بیک پردهء نقاشی که از روی واقعیت کشیده‏ شده باشد.

در تواریخ دربارهء طاعون در شهر ناپل در سال 1665 میلادی مسطور است که بقول‏ شاعر خودمان«مره از بس که فزون است کفن نتوان کرد»و از جانب حکومت اشخاصی مأمور شده بودندکه دور شهر میگشتند و زنگهای مخصوصی را بصدا در میآورندن تا هر خانه‏ای که در آنجا کس و یا کسانی مرده‏اند نعشها را از خانه بیرون بیندارند تا آن جسدها را در گاریهای‏ نعش‏کش ریخته و برای دفن بخارج از شهر حمل نمایند،و در حوالی شهر گودالهای بزرگی‏ حفر کرده بودند و مردگان را مانند خاکروبه دسته‏بدسته در آنجا سرازیر میساختند.

پس همچنان‏که در آغاز این گفتار مذکور افتاد میتوان ادعا نمود که آسیا چندین قرن‏ پیش از آنکه دستخوش طمع و حرص اروپائیان بگردد و در نتیجهء استعمار و استثمار و تعبد و اجحافات دیگری که گاهی بنامهای بسیار دلفریب و حق بجانب خوانده میشد با فقر و فاقه و بی‏سروسامانی دست بگریبان بشود قصاص خود را قبل از جنایت بعمل آورده بوده است و اگر امروز هم بدیدهء دقت و عبرت بنگریم باز می‏بینیم که در دنبالهء همین بی‏حسابیهای زمانهای‏ گذشته دنیای امروز نیز هنوز گرفتار بازیهای ستیزوتلافی است و عقده‏هائی که از قرنهای‏ گذشته در زوایا و خفایای دلهای بیشمار تکوین یافته بوده است بمرحلهء بحران رسیده است و باید از خداوند بخواهیم که پیش از آنکه سرباز کند و عالمی را بخون و آتش بکشد بوسیلهء عقل و انصاف و خیرخواهی عمومی منجر به صلح وصفا و آشتی بگردد هرچند بیم آن میرود که چنین دعائی هرگز مستجاب نگردد.

(1)- John Clyn

(2)- Micco Spadaro